

• دریافت ۹۷/۱۰/۲۸

• تأیید ۹۸/۵/۱۰

نشانه‌شناسی اجتماعی رمان «الحرب فی بَرّ مصر»

علیرضا اله‌بخشی *

سندس کردآبادی **

چکیده

نشانه‌شناسی اجتماعی رویکردی کاربردی در بررسی متون است که دغدغه اصلی آن درک نشانه‌های اجتماعی و رفتارهای معنادار است. نگاه ساختارشناسانه به رمان‌های اجتماعی و بررسی عناصر تشکیل دهنده و رمزگشایی متون می‌تواند درک بهتر و کامل‌تری از آن‌ها فراهم آورد. رمان «الحرب فی بَرّ مصر» رمان پرمغز "یوسف قعید" از نویسندگان نام‌آور دوره معاصر مصر و از رمان‌نویسان برجسته عرب است که در آن شرایط ناگوار و نامناسب جامعه خود را بازتاب داده است. در این پژوهش بر آن بوده‌ایم تا با روش تحلیلی-توصیفی و در سایه رویکرد «پی‌یر گیرو» نشانه‌های اجتماعی به‌کاررفته در این رمان را در کانون واکاوی قراردهیم و درون‌مایه پیام نویسنده را عیان کنیم. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد نشانه‌های مربوط به هویت از قبیل القاب و نام‌ها، شغل و جایگاه افراد در جامعه، نشانه‌های آداب معاشرت مانند لحن کلام، اطوار و حالات شخصیت‌های رمان و همچنین رمزگان‌های مُد مانند پوشش و اغذیه همگی گواه بر تقابل انسان‌ها با یکدیگر و وضع ناپه‌سامان اجتماعی است که بر جامعه آن روز مصر سایه گسترده بود. استفاده نویسنده از ابزارهای انسجام متن به‌ویژه ابزارهای واژگانی نیز مهر تأکیدی بر این مقصود اوست. در این جستار همچنین کارآمدی بهره‌گیری از نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی در رساندن خواننده به بن‌مایه رمان ثابت می‌گردد.

واژگان کلیدی: ادبیات داستانی، نشانه‌شناسی اجتماعی، یوسف قعید، «الحرب فی بَرّ مصر»

ali.alahbakhshi.lit@iauctb.ac.ir

* دانشجوی دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

sou.kordabady@iauctb.ac.ir

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

مقدمه

داستان‌های اجتماعی ترجمان شرایطی است که بر جوامع سایه افکنده‌اند؛ از این رو رمان‌های اجتماعی به‌مثابه گونه‌های شاخص و مهم ادبی، برگرفته از واقعیت‌های جامعه و دربرگیرنده شاخصه‌ها و ویژگی‌های زندگی اجتماعی مردمان هر عصر و دوره به‌شمار می‌آیند. با توجه به ناامیدی نویسندگان مصری از ایجاد اصلاحات، مسائل سیاسی به‌عنصر غالب و صدای برتر در انواع ادبی از جمله شعر و نثر تبدیل گشت و از همین رو بود که آگاهی ایدئولوژیکی نزد نویسندگان هم‌نسل یوسف قعید بسیار قوی‌تر و برتر از آگاهی زیبایی‌شناختی بود (وادئ، ۱۹۹۶: ۱۵۱). یوسف قعید رمان «الحرب فی بز مصر» خود را با هدف بازتاب شرایط جامعه روزگار خود و عیان‌سازی معایب و مفاسد آن به نگارش در آورده است، روزگاری که در آن شکاف طبقاتی بیداد می‌کند و در یک‌سو طبقه حاکم و سرمایه‌دار و مرفه جامعه هر آنچه می‌خواهد به‌دست می‌آورد و هر کاری بخواهد می‌کند و در سوی دیگر، مردمانی ضعیف و فقیر قرار دارند که جانفشانی و عشق به میهن را برای سازندگی و دفاع از آن درپیش گرفته‌اند. این رمان در واقع به‌سان آینه تمام‌نمای شرایط حاکم بر مصر و اوضاع و احوال آشفته و نابه‌سامان آن است که سبب‌ساز اعتراض یوسف قعید و دیگر روشنفکران مصر شده است. نویسنده تصویری روشن و البته دردناک از جامعه داخلی مصر و در حال جنگ با دشمن بیرونی ارائه کرده است. گفتنی است رمان «الحرب فی بز مصر» منعکس‌کننده تجربه نظامی یوسف قعید در طول دوران خدمت اوست. وی پس از آن به کار روزنامه‌نگاری در مجله «المصور» روی آورد و به‌مانند هم‌عصران خویش به مسائل ایدئولوژیک، موضوعات سیاسی و اجتماعی و یاری فقرا و مظلومان، همّت گماشت (همان). مؤلفان جستار حاضر، که براساس رهیافت توصیفی-تحلیلی به رشته نگارش درآمده، در پی آنند تا ضمن بررسی مؤلفه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی از منظر «پی‌یر گیرو» و تحلیل انسجام متن و تأثیر آن بر مقصود نویسنده، در مقام

پاسخ به این پرسش‌ها برآیند: نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی استفاده‌شده در این رمان چه مواردی هستند؟ نویسنده با بهره‌گیری از این نشانه‌ها و رمزگان‌ها به دنبال رساندن چه معانی است؟ کاربست این نشانه‌ها و رمزگان‌ها چگونه می‌تواند خواننده را به درک بهتری از شرایط جامعه توصیف‌شده رهنمون شود؟

پیشینه پژوهش

باتوجه به بررسی‌های صورت‌گرفته در فضای مجازی مانند تارنماهای نهادهای علمی، پژوهشی، فرهنگی و ادبی و فضای حقیقی مانند کتابخانه‌ها مشخص شد تاکنون پژوهشی درباره بررسی مؤلفه‌ها و جنبه‌های اجتماعی به‌کاررفته در این رمان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی صورت نگرفته است؛ البته رمان «الحرب فی بَرّ مصر» از جهات دیگر تحلیل و بررسی شده است، از آن جمله: «بررسی مؤلفه‌های پسامدرنیسم در رمان (الحرب فی بَرّ مصر)»، ساعدی و خبازه، فصلنامه تخصصی «مطالعات داستانی»؛ «ترجمه، نقد و بررسی عناصر داستان الحرب فی بَرّ مصر»، فاطمه علی‌نژاد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ «ریخت‌شناسی رمان «الحرب فی بَرّ مصر» یوسف القعید براساس نظریه‌ی روایت‌شناسی کلود برمون»، طاهره حیدری، فصلنامه مطالعات داستانی دانشگاه پیام نور؛ «محمدیوسف القعید روایتاً»، سمیر الشوابکه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ «السرود وانتاج المعنی فی روایات القعید» بدیعه الطاهری، رساله دکتری؛ «المیتاقص تجریباً روایتاً - قراءة فی أعمال الروائی المصری یوسف القعید: الحرب فی بَرّ مصر» و «یحدث فی مصر الآن» و «ثلاثیه شکاوی المصری الفصیح»، سمیه الشوابکه؛ «جدلیه السخریه والبناء السردی فی روایه: الحرب فی بَرّ مصر لیوسف القعید»، بدیعه الطاهری. کلیه این آثار با رویکرد ترجمه داستان و بررسی عناصر آن، مطالعه مؤلفه‌هایی پسامدرنیستی نظیر فراداستان، تعدد راوی یا چندصدایی، زاویه دید، زمان‌پریشی و خیال و بررسی بیکره داستان

برطبق انواع توالی‌ها از جمله توالی زنجیره‌ای، انضمامی و پیوندی و دیگر ویژگی‌ها نگاشته شده‌اند. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با کشف رمزگان‌های نشانه‌شناسی و ابزارهای انسجام متن، درک بهتر و جامع‌تری از رمان «الحرب فی بز مصر» میسر شود. نظریه این که نشانه‌شناسی اجتماعی شیوه مناسبی برای بررسی رمان‌های اجتماعی است، کاربست این رهیافت با تکیه بر دیدگاه‌های «پی‌یر گیرو» که از چهره‌های شاخص مکتب نشانه‌شناسی است؛ نیازی مبرم در جهت تحلیل گفتمانی رمان‌های عربی محسوب می‌شود.

نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی علمی است که به بررسی انواع نشانه‌ها، عوامل حاضر در فرآیند تولید و مبادله و تعبیر آن‌ها و نیز قواعد حاکم بر نشانه‌ها همت می‌گمارد و سرشت و چگونگی ارتباط و معنا را در پدیده‌ها و نظام‌های نشانه‌ای گوناگون مطالعه می‌کند. نشانه‌شناسی فرآیندی زبانی است که در آن زیرساخت‌های مربوط به معنا در چارچوب واکاوی و تحلیل دلالت‌های صوری و ظاهری زبان عیان می‌شود (حمداوی، ۱۹۹۷: ۷۹). در واقع نشانه‌ها امری عینی‌اند که دلالت بر امری ذهنی دارند. «بی‌شک بسیاری از نشانه‌ها به صورت متن هستند و نشانه‌ها و متون، نتیجه یک رابطه به هم پیوسته‌اند که مسأله نشانه، اساس نشانه‌شناسی را تشکیل می‌دهد» (اکو، ۱۳۹۵: ۱۲). «نشانه اتحاد دال (دلالت‌کننده) با مدلول (دلالت‌شده) است. دال صورتی است که نشانه به خود می‌گیرد و مدلول، معنا و مفهومی است که نشانه بر آن دلالت دارد» (ضمیران، ۱۳۸۲: ۴۰). «از این منظر، نشانه همیشه دو رو و دو سویه دارد؛ دال بدون مدلول یا به دیگر بیان، دالی که به هیچ مفهومی دلالت نکند، دریافت‌پذیر و شناختنی نیست. پس هر دالی بر مدلولی دلالت دارد که به جمع این دو، نشانه گفته می‌شود. نشانه می‌تواند هم تک‌معنایی باشد و هم چندمعنایی. معناهای گوناگون هر نشانه را

مخاطب در تأویل خود یعنی در ارتباط دادن مدلول به سخن می‌آفریند» (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۳۰). «نکته حائز اهمیت در تعریف نشانه این است که ارزش و نقش هر نشانه به روابط آن نشانه با دیگر نشانه‌های درون نظام وابسته است» (سجودی، ۱۳۹۷: ۲۵). نقش نشانه این است که چیزی دیگر را در بافتی مشخص بازنمایی کند، مثل چراغ قرمز که بر توقف، دلالت دارد.

به‌طورکلی نشانه‌شناسی ازجمله نشانه‌شناسی اجتماعی، مطالعه نشانه‌هایی چون زبان‌ها، رمزها، نمادها، نشانه‌های علامتی و مواردی از این دست است که از طریق آن درمی‌یابیم چگونه یک امر ذهنی به امری عینی تبدیل می‌شود یا چگونه یک پدیده عینی و مادی به پدیده‌ای ذهنی تبدیل می‌گردد. باتوجه به آن که بخش مهمی از شخصیت انسان با اجتماعی که در آن پرورش می‌یابد، شکل می‌پذیرد؛ برای فهم چگونگی و چرایی رفتار مردم لازم است که از طبیعت و ماهیت کنش‌های متقابل آن‌ها در میان گروه‌ها و طبیعت و ماهیت اجتماعی که بدان تعلق دارند، آگاه باشیم؛ زیرا ویژگی‌های زندگی گروه تا حد زیادی شکل‌دهنده رفتار انسان است (کنستاندز، ۱۳۵۱: ۶). نظریه این که نشانه‌های اجتماعی هر جامعه بیانگر شرایط و اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... در بافت اجتماعی آن است، در این پژوهش از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی باتوجه به تقسیم‌بندی «پی‌یر گیرو» عمل کرده‌ایم.

نشانه‌شناسی اجتماعی

در مطالعات نشانه‌شناختی، پدیده نشانه را از دیدگاه‌های گوناگونی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند. «امروزه با واژه‌هایی نظیر معناشناسی، نشانه‌شناسی، تحلیل گفتمان یا حتی موارد خاص‌تری چون نشانه‌شناسی اجتماعی و فرهنگی روبه‌رو هستیم که شباهت‌های بسیاری به هم دارند. نشانه‌شناسی نشانه‌ها و چگونگی کارکرد آن‌ها را مطالعه می‌کند» (کرس، ۱۳۹۴: ۲۶)؛ به عبارت دیگر، «نشانه‌شناسی مطالعه نظام‌مند

همه عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها یا در فرآیند دلالت شرکت دارند» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۲۶). «نشانه‌شناسی اجتماعی یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است و در آن به بررسی و مطالعه نشانه‌ها در جامعه پرداخته می‌شود. این علم بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و در نتیجه، روان‌شناسی عمومی است» (اسکولز، ۱۳۸۳: ۳۵). «نشانه‌های اجتماعی رمزگان‌هایی هستند که به شخص و فرد توانایی شناختن محیط پیرامونی و اطرافیان را می‌دهد. از این طریق، شخص می‌داند با چه کسی رابطه دارد و هویت اشخاص و گروه‌ها را بازمی‌شناسد» (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۷۷). براساس این علم، مشخص می‌شود که نشانه‌های اجتماعی از چه چیزی تشکیل شده‌اند و چه قوانینی بر آن‌ها حاکم است. نشانه‌های اجتماعی، زندگی منطقی و عاقلانه‌ای را برای کسانی که معرفت و آگاهی نشانه‌شناسی دارند؛ فراهم می‌کند. این نشانه‌ها کارکرد مجازی دارند؛ یعنی هر نشانه اجتماعی یک نوع مجاز جزء از کل به‌شمار می‌رود. با توجه به این کارکرد، نشانه‌های اجتماعی هر جامعه بیانگر روحيات و حالات آن جامعه و نشان از شرایط و موقعیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... در بافت اجتماعی آن جامعه است. هر نشانه جزئی از کل و فضای کلی حاکم بر جامعه است و در نتیجه وقتی نشانه‌های مختلف جامعه و فرهنگ در کنار هم قرار می‌گیرند، می‌توان به شرایط و اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی هر بافت از جامعه پی‌برد. اشاره به این نکته حائز اهمیت است که برخی از نشانه‌ها در درون نظام اجتماعی فقط به دلیل تفاوتی که با نشانه‌های دیگر دارند، معنا پیدا می‌کنند (ایگلتن، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

پی‌یر گیرو در کتاب «نشانه‌شناسی» خود بر آن است تا نمایی از فضای تفکر نشانه‌شناختی را در همه عرصه‌های فردی و جمعی زندگی روزمره آدمی ترسیم کند و خوانندگان را با نوع نگرش نشانه‌شناختی در حوزه‌های گوناگون آشنا سازد. وی نشانه‌ها را به انواع رمزگان‌های منطقی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی تقسیم کرده است.

نشانه‌ها شامل نشانه‌های هویت و نشانه‌های آداب معاشرت می‌شود و رمزگان‌های مربوط به میثاق‌ها، آیین‌ها و مُدها در زمرهٔ رمزگان‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. لباس‌ها، غذاها، حرکات، فاصله‌ها و غیره نشانه‌هایی هستند که به نسبت‌های متفاوت و به وجوه گوناگون در شکل‌بندی انواع گوناگون ارتباطات اجتماعی مشارکت می‌کنند (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۲۷).

نشانه‌ها

۱. **نشانه‌های هویت:** این نوع نشانه‌ها بیانگر تعلق و وابستگی فرد به یک گروه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا جز آن است و کارکرد آن‌ها طبقه‌بندی نظام‌های گوناگون اجتماعی در هر جامعه است که خود به شاخه‌ها و انواع دیگری تقسیم می‌شود (همان: ۱۲۲) که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: لباس‌ها، القاب، نام‌ها، شغل‌ها و مکان‌ها.

۲. **نشانه‌های آداب معاشرت:** نشانه‌هایی هستند که چگونگی ارتباط انسان‌ها را با یکدیگر تحت الشعاع قرار می‌دهند و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: لحن کلام (خودمانی، محترمانه، طنزآمیز، آمرانه و ملایم)؛ اهانت‌ها، اطوار و حالات (شامل حالت‌های چهره، ایما و اشاره که از تحلیل آن‌ها می‌توان شخصیت قهرمانان داستان را نشانه‌شناسی کرد) (همان).

رمزگان‌ها

اصطلاح رمز را به یکی از شش عنصری اطلاق می‌کنند که الگوی ارتباطی یا کوبسن را می‌سازد. پیام برای این که درست و مؤثر منتقل شود، باید حاوی رمزگانی باشد که هم برای فرستنده (خطاب‌کننده) و هم برای گیرنده (مخاطب) قابل درک باشد. به عبارت دیگر باید معیارهای توافقی دربارهٔ معانی کلمه‌های مورد استفاده یا دربارهٔ

قیافه‌ها، حرکت‌ها، رنگ‌ها و صداها وجود داشته باشد. اصطلاح «شب» ممکن است برای نشان دادن تاریکی یا زمان خوابیدن باشد. از سوی دیگر در سطح نمادین، «نور» و «ارتفاع» به صورت مشترک با «معنویت» و «خوبی» یا «صداقت» همراه می‌شوند درحالی‌که شاید «تاریکی» و «عمق» به «خطا» و «شر» اشاره کنند (برانون، ۱۳۹۷: ۸۹).

رمان «الحرب فی بز مصر»

این رمان برای نخستین بار در مارس سال ۱۹۷۸ در بیروت منتشر شد و تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده و به زبان‌های مختلف از جمله روسی، اوکراینی، انگلیسی، عبری و فرانسوی ترجمه شده است. قعید به علت کنشگری‌های ادبی‌اش مثل نگارش این رمان در سال ۲۰۰۸ میلادی موفق به دریافت جایزه دولتی شد. رمان «الحرب فی بز مصر» چهارمین رمان از یکصد رمان برتر عربی است و توجه گسترده ناقدان را به خود معطوف کرده است. «رویدادهای داستان در یکی از روستاهای مصر و اندکی پیش از آغاز جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ میلادی روی داده است. اگرچه از تاریخ نگارش این رمان، مدت زیادی گذشته است اما ساختار زندگی در مصر همچنان روستایی است و این موضوع نه تنها مایه ننگ و عار نیست که نیاز به پنهان کردن داشته باشد بلکه باید به عنوان یک انگیزه و عامل قدرت به آن افتخار و آنرا با قدرت عرضه کرد» (لوپس، ۱۹۶۱: ۶۶). این رمان از شش فصل تشکیل شده که در هر فصل یکی از شخصیت‌های اصلی، داستان را از دیدگاه خود بازگو می‌کند و عنوان هر فصل به نام راوی آن نامگذاری شده است که به ترتیب عبارت‌ند از: العمده (کدخدا)، المتعهد (کارچاق‌کن)، الخفیر (نگهبان)، الصدیق (دوست)، الضابط (افسر ارتش) و المحقق (بازپرس). قهرمان و شخصیت اصلی داستان هم نوجوانی است به نام «مصری» که پسر (الخفیر) نگهبان املاک و زمین‌های کدخداست. هریک از این راویان گوشه‌هایی از شخصیت و زندگی و سرگذشت «مصری» را معرفی می‌کنند. نکته حائز

اهمیت این اثر آن است که هیچ‌یک از فصل‌های رمان به نام «مصری» نامگذاری نشده و به خود او فرصتی برای روایت سرگذشت و پیشینه زندگی‌اش داده نشده و بنابر قول برخی از ناقدان حتی در این سطح نیز به او ظلم شده است: «خلاً مصری در بسیاری از مقاطع داستان از دیدگاه منتقدان ادبی یک عیب فنی به‌شمار می‌آید درحالی‌که مصری خود مرکز و کانون داستان به‌شمار می‌آید. آن‌ها حتی کمی فراتر رفته و بر این باورند که نویسنده از نظر فنی نه‌تنها به شخصیت مصری بلکه به شخصیت پدر او نیز به‌عنوان نگهبان املاک کدخدا جفا کرده و درباره شخصیت او نیز به اندازه کافی به‌ویژه زمانی که تنها پسرش را از دست می‌دهد یا مجبور می‌شود او را به نوعی بفروشد، روشن‌گری نکرده است» (وادی، ۱۹۹۶: ۱۰۵).

نخستین فصل از این رمان به (العمدة) کدخدا اختصاص یافته است که در آن ابلاغیه‌ای کتبی از اداره نظام وظیفه مصر درخصوص لزوم معرفی فرزندش برای خدمت وظیفه عمومی به دست او می‌رسد. کدخدا با اطلاع از این موضوع، به‌شدت دچار آشفتگی و سردرگمی می‌شود. او به دنبال راهی است تا مانع از رفتن پسر کوچکش، که از همسر چهارم و سوگلی اوست، به خدمت نظام وظیفه شود. برای این کار به فردی به نام «متعهد» (کارچاق‌کن) متوسل می‌شود. او فردی شیاد و فریبکار است که در دور زدن قانون و دادن رشوه به کارکنان و مأموران دولت تبخّر دارد. یو طبق نقشه‌ای دقیق به کدخدا پیشنهاد می‌کند به‌جای پسرش، جوانی به نام «مصری» را که پسر یکی از نگهبانان زمین‌ها و املاک اوست و تاریخ تولدش نیز با تاریخ تولد پسرش یکسان است، به سربازی بفرستد. پدر «مصری» فردی فقیر و ندار است که حتی نمی‌تواند شرایط ادامه تحصیل پسرش را فراهم کند اما پسرش «مصری» برخلاف پسر کدخدا که تن‌پرور و تنبل و بی‌استعداد است، فردی باهوش، بااستعداد و علاقه‌مند به تحصیل است. طبق نقشه تمام مدارک شناسایی «مصری» را از او می‌گیرند و مدارک جدیدی با مشخصات پسر کدخدا برایش صادر می‌کنند.

کدخدا نیز به پدر مصری وعده می‌دهد که در عوض این کار، قطعه زمینی را که طبق قانون جدید اصلاحات اراضی از او گرفته شده است، به او بازگرداند ولی بعد از اجرای نقشه به وعده خود وفا نمی‌کند. «مصری» بعد از پیوستن به ارتش از این که تغییر نام و هویت خود را پذیرفته است، احساس پشیمانی می‌کند و موضوع را برای یکی از دوستانش توضیح می‌دهد. مصری تصمیم می‌گیرد موضوع را به فرمانده خود نیز اطلاع دهد اما با آغاز جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ میلادی بین اسرائیل و کشورهای عربی از این کار منصرف می‌شود؛ زیرا به نظر او در چنین شرایطی، اهمیت دفاع از میهن و ادای وظیفه ملی در قبال آن در اولویت امر قرار دارد با هر نام و نشانی که باشد. بدین منظور داوطلبانه به خط مقدم جبهه می‌رود و با همان مشخصات جعلی به شهادت می‌رسد. پیکرش را به روستا باز می‌گردانند تا به خانواده‌اش تحویل دهند. در روستا مشخص می‌شود که «مصری» پسر یکی از نگهبانان کدخداست نه فرزند کدخدا ولی مدارک بیانگر آن است که شهید، پسر کدخداست. با وجود محرز شدن موضوع برای بازپرس پرونده و اعترافات کارچاق‌کن و شهادت شاهدان، کدخدا که از نظر بازپرس متهم اصلی است، اعتراف نمی‌کند و در نهایت موفق می‌شود با استفاده از رانت و توسل به افراد بانفوذ در درون تشکیلات حکومتی بر موضوع سرپوش گذارد؛ به طوری که از طرف مقامات بالا به بازپرس دستور می‌دهند پیگیری‌های خود را متوقف و به گونه‌ای رفتار کند که گویا اتفاقی نیفتاده است. در نهایت پیکر «مصری» به عنوان فرزند کدخدا در جایی به شکل مخفیانه دفن می‌شود و تمام مزایای شهادت او نیز به کدخدا تعلق می‌گیرد در حالی که پسر حقیقی کدخدا زنده است!

واکاوی نشانه‌های اجتماعی در «الحرب فی بَر مصر»

نشانه‌های هویت

این نوع نشانه‌ها بیانگر تعلق وابستگی فرد به یک گروه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی

یا جز آنند و کارکرد آن‌ها طبقه‌بندی نظام‌های گوناگون اجتماعی در هر جامعه است که خود به شاخه‌ها و انواع دیگری تقسیم می‌شود (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۲۲) که مهم‌ترین‌شان عبارت‌ند از: لباس‌ها، القاب، نام‌ها، شغل‌ها و مکان‌ها. براساس بافت رمان و فضای کلی حاکم بر جامعه آن روز مصر نشانه‌های هویت در این رمان به‌طور اساسی به زمین‌داران (طبقه اعیان و قشر فرادست) و کشاورزان (طبقه فقیر و فرودست) مرتبط است که در تقابل با یکدیگر قراردارند. استفاده از نمادهای کلی و بدون مدلول و مصداق و بهره‌گیری از صفات و مشاغل اجتماعی برای سرفصل‌های رمان نشان می‌دهد یوسف قعید نحوه نگرش خود را به جامعه مصر به‌خوبی بازگو کرده است. نشانه‌های هویت در این رمان انواع گوناگونی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. **القاب و نام‌ها:** نام‌ها نشانه‌هایی از صاحب نام و محملی برای شخصیت‌پردازی در داستان به‌شمار می‌روند. از نظر «اکو» برای این که ذهن دریابد نشانه به چه چیزی دلالت می‌کند، باید تجربیاتی درباره موضوع نشانه یا نظام نشانه‌ای داشته باشد (اکو، ۱۳۸۷: ۸). یوسف قعید از رهگذر نام‌ها و القاب، بار دیگر به اختلاف طبقاتی در جامعه مصر تأکید کرده است. او در این رمان به القاب طبقه فرادست جامعه اشاره می‌کند، القابی مانند کدخدا، جناب کدخدا، پاشا، بیک، ممالیک و غیره: «أتی الکاتب. قال بصوت عال: تفضل. نعتنی بأوصاف الزمان الجمیل الذی مضی. ألقى باسمی لقب البکویة الذی کنت قد نسیته» (قعید، ۱۹۹۱: ۲۰)؛ «عمر شجرة عائلتنا يعود الی زمن الممالیک والأتراک ... الدم الذی یجری فی عروق والدی مصری وإن عائلتنا لم تعرف الدم الأزرق أبداً وإن مؤسس عائلتنا الأول کان مشرفاً علی بناء هرم خوفو الأكبر» (همان: ۱۸)؛ که مبین جایگاه طبقه فرادست در امر و نهی به طبقه فرودست یعنی کشاورزان فقیر و بی‌بضاعت و محکوم است. از آنجاکه «قدرت همزمان همه اجتماع را به‌صورت کل یک‌پارچه در سیطره و سلطه خود می‌گیرد» (درپر، ۱۳۹۳: ۱۲۰)، در این تقسیم‌بندی کدخدا مالک تام‌الاختیار همه زمین‌ها و تمام

کسانی است که برای او کار می‌کنند و هر طور که بخواهد با ایشان رفتار می‌کند: «ان العمده کان والده عمده، وجدّ جدّه عمده، أی انه یدخل تحت تصنیف أولاد الناس. أمّا الخفیر وابنه فهما من أولئک الذین یکملون عشاءهم نوما وهو یعمل ویزرع فی أرض العمده. فی هذه الحاله فالعمده یمتلك الأراضی ومن علیها ومن یعمل فیها. إن ابن الخفیر ملک للعمده یتصرف فیہ کیف یشاء إنهم فی عزبه یمتلكها العمده وله الحق فی التصرف فی کل ما فی العزبه» (قعید، ۱۹۹۱: ۱۴۳).

از نکات قابل توجه این رمان می‌توان به ساختار و بافت آن و انسجام‌های متنی از قبیل انسجام‌های دستوری و واژگانی اشاره کرد که نویسنده با چیره‌دستی خاصی آن را به انجام رسانده است. مایکل هالیدی که از بزرگان زبان‌شناسی در حوزه نقش‌گرایی به‌شمار می‌رود، بر این باور است که ساختار متن و بافت موقعیت، ارتباط تنگاتنگی دارند؛ طوری که این ارتباط را تاحدی می‌داند که «ارزش‌های خاص زمینه، عاملان و شیوه‌گفتمان که با هم پی‌کربندی بافتی را ایجاد می‌کنند، می‌توانند گمانه‌های خاصی را درباره متن پدید آورند» (هالیدی و حسن، ۱۳۹۵: ۱۷۱). هالیدی انسجام را مفهومی معنایی می‌داند که بیانگر روابط معنایی موجود در متن است و اعتقاد دارد متن‌بودگی یا آنچه متن را می‌سازد، حضور ابزارهای دستوری (ارجاع، جایگزینی، حذف)، واژگانی (تضاد، تکرار و هم‌معنایی) و پیوندی (افزایشی، سببی) است که شبکه روابط معنایی بین جمله‌ها، بندها و واحدهای گفتمان را تشکیل می‌دهد (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۰). نویسنده در سیاق کلامش افزون بر بازنمایی ارکان قدرت در جامعه روستایی و سلطه و سیطره قشر فرادست، ساختار نحوی و چیدمان پاره‌ای جمله‌ها در روایت این بند معمولی را نیز به شکلی آورده است که با تکرار واژه العمده (۷ بار) و برجسته‌سازی و تقابل آن با واژه الخفیر (نگهبان املاک) و همچنین مقایسه کدخدا و جد او با نگهبان و فرزندش اهمیت بخش‌های مختلف سامانه معنی را آشکار و درواقع با استفاده از این ابزارها خواننده را به کانون معنایی نوشته هدایت می‌کند و ساختار

جمله را در نظر او با اهمیت جلوه می‌دهد. به‌کارگیری ابزارهای انسجام دستوری از جمله ارجاع با ضمیر، اسم اشاره و اسم موصول نظیر تکرار چندباره ضمیر «ه» در خصوص کدخدا به‌عنوان مرجع ضمیر و استفاده از ضمائر «هو»، «هما»، «هم» و «اولئک» و استفاده از حرف تعریف «ال» زیبایی‌های کاربست روابط سازواره‌ای در جملات را دوچندان کرده است. یا در بخش دیگری از رمان متعهد (کارچاق‌کن) بار دیگر کدخدا را با الفاظ و صفت‌هایی چون «جناب کدخدا»، «حضرت والامقام» مورد خطاب قرار داده و حتی به او صفت «پیامبر» می‌دهد؛ البته او اذعان می‌کند که این الفاظ و صفت‌ها دروغی بیش نیست و آن‌ها را برای چاپلوسی به‌کار می‌برد اما درحقیقت بیانگر طرز فکر حاکم نسبت به شأن و جایگاه قشر مرفّه در جامعه است: «قلت بصوت حرصت أن يكون ودودا، إن دارنا نورت وإن النبي زارنا اليوم وإني سعيد بتشريف حضرة العمدة لداري المتواضعة» (قعید، ۱۹۹۱: ۳۱). استفاده از ادوات تأکید به‌ویژه حرف «ان» و جملات اسمیه اهمیت و ویژگی‌های روساختی را در سبک‌شناسی و تحلیل‌های بلاغی نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که نویسنده روساختی را برای بیان ژرف‌ساخت مدّ نظرش برگزیده است که زیرمعناها و پیامدهای سبکی و بلاغی گفته را پدید می‌آورد. استفاده از تکرار به‌منزله یکی از ابزارهای انسجام‌آزگانی در شاهدمثال بالا کاملا مشهود است.

رمان‌های جدید برخلاف رمان‌های قدیم که معمولا رمان حوادث بوده‌اند، رمان شخصیت هستند. در رمان حوادث تکیه بر اعمالی است که قهرمان داستان به انجام می‌رساند اما در رمان شخصیت، تکیه بر انگیزه اجرای اعمال است؛ بدین ترتیب در رمان‌های حوادث می‌توان پرسید «بعد چه شد؟» اما در رمان شخصیت باید پرسید «چرا چنین شد؟» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۶۸-۱۶۷). در این میان، نشانه‌های هویتی از جمله ستاره‌هایی هستند که به‌خوبی می‌توانند مخاطب را به انگیزه شخصیت‌های داستان از کارهای خود رهنمون شوند؛ حتی استفاده از نام «مصری» برای فرزند

نگهبان املاک کدخدا نیز دارای اهمیت و نشانه‌ای نمادین است؛ به طوری که وقتی دوست و هم‌خدمتی «مصری» با افسر درباره نام «مصری» صحبت می‌کند؛ افسر تصور می‌کند او برای لوس‌بازی و جلب توجه چنین اسمی را انتخاب کرده است و به همین خاطر از دوست و هم‌خدمتی مصری می‌پرسد: «مصری هو اسم الدلع؟ هل يعرف الفقراء اسم الدلع؟ أليس كل أبناء بلدنا اسمهم مصری؟» (قعید، ۱۹۹۱: ۲۹۴). از آنجا که نشانه‌شناسی به دنبال تحلیل متون در حکم کلیت‌های ساختمند و در جستجوی معناهای پنهان و ضمنی است (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۹) حتی استفاده از نام «مصری» برای فرزند نگهبان املاک کدخدا نیز با اهمیت و نشانه‌ای نمادین است طوری که این مسأله مایه شگفتی افسر نیز می‌شود.

۲. شغل و جایگاه افراد در جامعه: شغل و جایگاه افراد در این رمان در تمایز و تفاوت نوع زندگی و طبقه آن‌ها گویای بسیاری از مؤلفه‌ها درباره افراد جامعه است. نکته قابل تأمل در این رمان آن است که نویسنده در فصل‌های مختلف داستان از اسم خاص یا اسم علم استفاده نکرده و عناوین و القاب پرکاربرد جامعه را نظیر کدخدا، کارچاق‌کن، نگهبان، دوست، افسر و بازپرس انتخاب کرده و وجهه اهتمام خود قرارداده است تا این رمزگان‌ها را به لحاظ معناشناسی تعمیم و آن‌ها را بسیار گسترده نشان دهد (وادی، ۱۹۹۶: ۱۵۴). شغل‌ها نیز در جامعه به دو صورت سیاه و سفید میان مردم تقسیم شده است؛ به گونه‌ای که طبقه اغنیا شغل‌های سیاسی و حساس را حق خود می‌دانند؛ همان‌گونه که کدخدا اظهار می‌کند: «يجب أن استعد لترشیح نفسي فی انتخابات البرلمان القادمة. ولا بد من كنس الأولاد أعضاء لجنة الإتحاد الإشتراکی العربی بضربة واحدة. حتی لو عرضوا الأمانة سأرفض هذا. إمّا أنا وإمّا هم» (قعید، ۱۹۹۱: ۱۹). در این بخش از رمان، کدخدا که زمین‌های خود را طبق قانون اصلاحات ارضی دوره انور سادات بازپس گرفته است، در سودای نامزدی برای انتخابات پارلمان است و شغل‌ها و مناصب عالی را حق طبقه خود و فرزندان

خویش می‌داند و به فکر پاکسازی و کنار زدن دیگران از مشاغل مهمّ جامعه است. در این رمان شغل و جایگاه افراد متمول از جمله کدخدا به املاک و مقدار زمینی است که در مالکیت آنهاست. تقسیم‌بندی براساس زمین و میزان برخورداری از زمین و املاک از شاخصه‌های اصلی در تمایز جایگاه افراد است.

از سوی دیگر، «زمین» رشته و حلقهٔ وصلی است که فصل‌های مختلف رمان را با یکدیگر متحد می‌کند و زنجیره‌ای به هم‌بافته و منسجم پدید می‌آورد به گونه‌ای که خواننده در همان آغاز به اهمّیت زمین پی می‌برد و راوی در ابتدا ارزش حیاتی این موضوع را متذکر می‌شود. اهمّیت زمین به اندازه‌ای است که کنش‌پذیری شخصیت‌ها و شکل‌گیری پیرنگ داستان نیز متأثر از آن است و همین امر سبب ایجاد هماهنگی و نظم میان فصل‌های مختلف رمان می‌گردد. قعید به شکل هنرمندانه‌ای از واژه «أرض» به مثابه یک موتیف بهره گرفته است و از آن برای دستیابی به اهداف و کارکردهای موردنظر در اثر استفاده کرده است. «یکی از مهم‌ترین این کارکردها برقراری انسجام و وحدت اندام‌وار میان اجزاء و فصل‌های مختلف رمان است. رمان‌نویس توجه شایانی به وصل نمودن این اجزاء با موتیف «أرض» کرده است و تمامی فصل‌های رمان زنجیروار با هم متصل و متحد شده‌اند و این اتحاد مرهون تکرار نظام‌مند موتیف «أرض» در تمامی بخش‌های اثر است» (دلشاد، ۱۳۹۶: ۱۹۳). طبقهٔ اشراف و زمین‌داران با برخورداری از این مسئله اقتدار خویش را گسترده می‌کنند و با زدوبند و تبانی، ثروتشان نیز افزون می‌گردد. درمقابل، طبقهٔ فرودست شغل‌هایی چون کشاورزی برای ارباب و مالک زمین، خدمتکاری و نگهبانی و دیگر شغل‌های متفرقه مانند کارچاق‌کنی دارند که این مشاغل نیز با نظر و صلاحدید طبقهٔ اشراف و حاکم تعیین می‌شود یا تغییر می‌کند و درواقع آنها کاملاً در خدمت طبقهٔ اعیانند؛ مثلاً وقتی کارچاق‌کن دربارهٔ جعل مدرک تحصیلی فرزند کدخدا صحبت می‌کند به او می‌گوید: «الشهادات تباع فی مصر، وهو شخصیا يعرف طبیباً عنده مخزن الشهادات

فی العباسیة بمصر، کل شهاده بثمانها ویؤثر فی الثمن نوع الشهاده وسنة الحصول علیها والتخصص والمجموع» (قعید، ۱۹۹۱: ۲۷).

قعید در جایی دیگر با بهره‌گیری از ابزارهای انسجامی دستوری واژگانی به شکلی ماهرانه مقاصد خود را بیان می‌کند. «به‌رغم این‌که انسجام دستوری برای کارآمد بودن به حمایت انسجام واژگانی نیازمند است، اما این دو مورد به شکل قابل‌توجهی وابستگی متقابل دارند و انسجام واژگانی به‌خودی‌خود کاری ازپیش نمی‌برد» (هالیدی و حسن، ۱۳۹۵: ۱۹۶). تکرار و تضاد ازجمله ابزارهای مهم انسجام واژگانی هستند. تکرار واحد واژگانی یکسان، رابطه‌ای را پدید می‌آورد، به این دلیل که معنای تجربی بسیار مشابهی در هر بار رخداد تکراری واحد واژگانی، رمزگزاری می‌شود (همان: ۱۹۳)؛ مثلاً در این رمان می‌بینیم که قعید با استفاده نمادین و تکراری از واژه «اللیل» و توجه به زرف‌ساخت کلمات و استفاده از آیرونی و تضاد، فساد سیستماتیک در مصر و رسوخ آن به همه نهادها و سازمان‌ها و تباه شدن حق و حقیقت را در هر ساعتی از شبانه‌روز به تصویر می‌کشد. نویسنده پس از رسیدن جسد مصری به منزل کدخدا و روشن شدن ابعاد جعل و تقلب در پرونده مصری، از زبان بازپرس پرونده که باید درباره حقایق مصیبت و فاجعه رخ داده تحقیق کند، روی واژه‌های «شب» و «نیمه‌شب» تمرکز می‌کند. کاربرد واژه «نیمه‌شب» از نظر نویسنده افزون بر زیبایی خاصی که جلوه تکرار به آن بخشیده؛ دارای اهمیت و نشانه‌ای نمادین است و مقصود نویسنده شب‌وروز نیست بلکه او قصد دارد تباه شدن حقیقت و ضایع شدن حق را بین شب‌وروز یا ظلمت و نور به تصویر بکشد. بازپرس نیز بعد از آن‌که متوجه حقیقت می‌شود نمی‌تواند کاری ازپیش ببرد؛ چراکه از مقامات بالا دستور رسیده است تا این پرونده بسته و اعتبار آن کأن لم‌یکن تلقی شود و جسد «مصری» نیز با عنوان پسر کدخدا در گورستان خانوادگی کدخدا به خاک سپرده شود: «تستهوینی لحظة انتصاف اللیل، رائحة شتاء مقبل تنتشر فی اللیل. ها هو لیل الریف فی الأيام الأخيرة من رمضان.

مرت ليلة الأمس واللييلة التي قبلها ولم يشاهد أحد ليلة القدر. تبقى هذه اللييلة ولييلة أخرى قادمة. وقد يأتي العيد بعدها» (قعيد، ۱۹۹۱: ۱۳۵).

اهمیت زمین و املاک به منزله یک مؤلفه شغلی برای طبقه فرادست به قدری حائز اهمیت است که کدخدا از برگشت مالکیت زمین هایش به او و خارج شدن مالکیت از دست کشاورزان به طور وصف ناپذیری خرسند و خوشحال می شود: «أمس كان يوما عظيما. أول يوم يدخل قلبي الفرح وتلمس نفسي السعادة منذ سنوات مضت. كرامتنا عادت إلينا. لأنَّ سعادتني بعودة الأرض ما بعدها سعادة أخرى في العالم كله، تمنيت أن أموت ساعتها» (همان: ۷). با نگاهی کوتاه به این مقوله می توان دریافت شغل های مهم در جوامع دوقطبی در اختیار عده ای خاص از اشراف و فئودال هاست که برای مردم تصمیم می گیرند و به جای آن ها عمل می کنند و در مقابل، طبقه فرودست شغل هایی دارند که هیچ تأثیری در آسایش و آرامش زندگی شان ندارد و بیشتر در اندیشه تأمین نیازهای ابتدایی و فوری خود هستند.

۳. اماکن زندگی: تقسیم شهرها به محله ها و خیابان ها در هر متنی چه متن داستان چه هر متن دیگری بیانگر نظام دلالتی خاصی است (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۱۹). محله ها در بسیاری از فرهنگ ها با عناوینی که بر خود دارند، نشانه هایی هستند که سازه های پیکره اجتماعی را هویت می بخشند و آن ها را متمایز می کنند و پیش از هر چیزی کارکردشان، سازمان بندی اجتماعی است. از سوی دیگر، این تقسیم بندی ها بیانگر وضعیت اقتصادی آن جامعه است. اماکن و محله ها در رمان «الحرب فی بز مصر» در معرفتی اجتماع و فرهنگ خاص حاکم نقش به سزایی دارند؛ مثلا از زبان کدخدا و با جزئیات، در توصیف خانه بزرگش می خوانیم: «ترکت الحجره التي بنيتها من أجلها. دخلت البيت القديم. الحجرات كلها مغلقة ورائحة النوم تملأ الصالة. مررت على حجره زوجتي الأولى والتي يسمونها في البيت بالست الكبيرة. وهي أم أولادي الكبار. أمامها حجره زوجتي الثانية ثم حجرات الأولاد. اتجهت إلى حظيرة البهائم.

ألفت نظرة على المخازن: مخزن المحاصيل، مخزن الأسمدة، مخزن المبيدات، مخزن الآلات الزراعية» (قعید، ۱۹۹۱: ۱۰)؛ یا در جای دیگر نویسنده از تقابل موجود میان (قصر) کدخدا و (عشّة) خانواده مصری به منزله یک عامل مؤثر و قابل توجه در انسجام معنایی و ایجاد فضایی دوگانه در ساختار داستان بهره می‌گیرد: «عندما ذهب الی بلدته، وجدت الاجابه فی المسافه من بین قصر العمدة الابيض الضخم والذی يبدو لامعاً حتى فی اللیل والعشّة الی یعیش فیها أهل مصری، الی تسمى تجاوزاً بیتاً» (همان: ۹۴).

نشانه‌های آداب معاشرت

۱. **لحن کلام:** لحن در اصطلاح داستان عبارت است از طرز برخورد نویسنده با اثر به گونه‌ای که خواننده بتواند آن را حدس بزند (داد، ۱۳۷۸: ۲۵۸). بدین گونه لحن نویسنده در نوشته می‌تواند محزون، جدی، طنزآمیز، احساساتی، ریشخندآمیز یا شبیه به این‌ها باشد که هر کدام از این‌ها نشانه‌های طرز برخورد نویسنده با موضوع است. گاهی به طرز برخورد نویسنده نسبت به خواننده نیز لحن می‌گویند که می‌تواند رسمی، صمیمی، خودپسندانه و مانند آن باشد (میرصادقی، ۱۳۸۷: ۲۳۳). یکی از نشانه‌های آداب معاشرت، لحن کلام است که بیانگر هویت شخص به شمار می‌آید. این نشانه‌ها به تناسب افراد و در موقعیت‌های گوناگون تغییر می‌کنند و یکی از عمومی‌ترین شیوه‌های ایجاد ارتباطند. در این رمان با انواع لحن‌های خودمانی، محترمانه، آمرانه، ملایم و مهربانانه مواجه‌ایم. اگرچه لحن محترمانه و آمرانه به سبب آن که فضای داستان ارباب-رعیتی است؛ بسامد بالاتری دارد. در رمان یادشده کدخدا بسیار کم حرف است و علت نیز این است که او دیگران را در مقام و منزلت خود نمی‌داند و اطرافیانش به نیابت از او با دیگران حرف می‌زنند؛ حتی طیف اطرافیان کدخدا نیز با طبقه فرودست جامعه با درشتی و دور از ادب سخن می‌گویند؛ به گونه‌ای که اگر با ادب

و احترام آن‌ها را خطاب کنند، مخاطبشان (پدر مصری) دچار شگفتی و تعجب می‌شود: «قال لی الکاتب: تفضل بالجلوس ممّا أدهشني. أرسل الخفير ليحضر لنا بزّاد شای من منزل العمدة. أفسح لی مکانا بجواره علی الكنبه العالیه» (قعيد، ۱۹۹۱: ۶۱). در چنین جامعه‌ای طبقه فرودست جامعه حتی از نحوه احوال‌پرسی قشر مرفه با خود دچار تعجب می‌شود؛ چون چنین برخوردی نادر و عجیب به نظر می‌رسد: «حضر العمدة، وقفت. وجدته یمدّ یده لی. سلّم علیّ. قلت فی نفسی: إنّ أمرا ما قد حصل!» (همان: ۶۲). درمقابل، یوسف قعيد لحن صحبت طبقه فرودست را به شکلی دیگر به تصویر می‌کشد. طبقه فرودست با یکدیگر به راحتی و به دور از هرگونه تشریفات و تکلفی درد دل و صحبت می‌کنند، به خصوص وقتی که مورد ستم و ظلم قرار می‌گیرند؛ مثلا «مصری» هنگام درد دل با هم‌خدمتی خود می‌گوید: «قال مصری، إنه یرجونی أن لا أتصور أنه قبض ثمناً ضحماً لفعلته هذه وهو لا یفکر فی حکایه الثمن، لسبب بسیط، إن الطریق کان قد سدّ فی وجهه و وجه عائلته ایضاً» (همان: ۹۱).

۲. رفتار توهین آمیز: یکی از نشانه‌هایی که به شخصیت و در نتیجه جایگاه اجتماعی افراد اشاره می‌کند، رفتار و کردارشان و عیارسنجی آن با مؤلفه ادب است و این که در لحن و گفتار و رفتار خود تا چه میزان این مؤلفه را حفظ می‌کنند. توهین در جامعه نمودهای گوناگونی دارد. یکی از این نمودها نحوه برخورد با زنان در جامعه است. در رمان مذکور زن در جایگاهی قرار دارد که در اداره امور جامعه و خانواده به او توجه و اهمیتی نمی‌شود و علت آن نیز وجود فضای خفقان آور و بسته و ناعادلانه درباره زنان است. زن در چنین جامعه‌ای دارای هیچ حق و حقوقی نیست و همواره در معرض آسیب‌های فراوان و سنگین از جانب مردان خانواده و جامعه قرار می‌گیرد. زنان در این داستان افرادی بی‌سواد و سرخورده‌اند که از خود هیچ اراده و هویت مستقلی ندارند. وضع ایشان در این جامعه یکی از بهترین شاخص‌های ارتجاع و اختناق و

خفقان اجتماعی است. در رمان‌های اجتماعی به‌ویژه در رمان موردنظر، زن قربانی یک اجتماع عقب‌افتاده است به‌گونه‌ای که طلاقش می‌دهند تا پسرش بتواند به‌عنوان تنها مسئول و سرپرست او از خدمت سربازی معاف شود: «إینی الرابع طلقت أمه، طلاق سری علی الورق لیس غیر. وبعد وقوع الطلاق أصبح هو العائل الوحيد لأمه المطلقة» (همان: ۱۸).

در این رمان همچنین این‌گونه به‌نظر می‌رسد که حرف‌ها و سخنان کدخدا در برخورد با مردم و کشاورزان توهین‌آمیز نیست در صورتی که رفتارهای او به‌شکلی اهانت‌آمیز است که مردم و کشاورزان را در سطح املاک و دام‌های خود و چه‌بسا بدتر از آن می‌داند. در جایی از رمان کدخدا به این نکته اشاره می‌کند که تا چندی پیش کسی جرأت نداشت، سوار بر الاغ از جلوی پدرم رد شود و مجبور بود از الاغ پیاده شود و این‌که پدرش در تنبیه رعیت نافرمانش آن‌ها را در وسط حیاط به درخت کافور می‌بست: «لم یکن أحد من أهل البلد یجرؤ أن یمر علی والدی وهو یرکب حماره... یاه وهل أتکلم عن الأيام التي شاهدت فیها أبی وهو یربط من یعصی أوامرہ إلی شجرة الكافور التي ماتزال فی مکانها نفسہ أمام الدوار» (همان). در این اوضاع فضای ارباب-رعیتی در ذهن و ضمیر افراد نهادینه شده است و کدخدا نیز خود را اربابی می‌داند که باید در رفتار با رعیت سخنان و حرف‌های پدرش را اجرا و مانند او بر آن‌ها حکمرانی کند. این تصویر یادآور رمان «یومیات نائب فی الأریاف» توفیق الحکیم است که حتی از تشبیه کردن کشاورزان روستایی به گاو میش و بیمارانشان به میمون و زندگی ایشان به زندگی مسموم و منازلشان به لانه و کنام حیوانات وحشی ابا نکرده است (الحکیم، ۲۰۱۴: ۵۱).

۳. حالات و شرایط: نشانه‌هایی چون حالت‌های چهره، ایما و اشاره که از تحلیل آن‌ها می‌توان شخصیت قهرمانان داستان را نشانه‌شناسی کرد و از رهگذر آن به اوضاع هر طبقه اجتماعی دست یافت. در این رمان فضای متشنج، خفقان‌آور و دوقطبی داستان رفتار و حالت‌های دوگانه‌ای را در پی دارد. افسردگی، چهره عبوس، گریه و زاری، اضطراب، ظاهر سخت و زمخت، چهره شکست‌خورده، غمناک، اندوهبار، دژم و اخم‌آلود زنان و قشر رنج‌دیده و برخی دیگر از شخصیت‌های داستان از این جمله است؛ برای نمونه می‌خوانیم: «نظرت زوجتی إلی نظرة هادئة مثل میاه

المصرف الراكذ والذی لم تتحرك فيه نقطة ماء منذ سنوات. فهتمت من نظرتها أنه لا يوجد سكر فی البيت قامت، ذهبت تستدين قليلا من السكر من إحدى الجارات» (قعيد، ۱۹۹۱: ۵۴) و از آنجا که بررسی نشانه‌شناختی واژه‌ها به شکل محدود مدنظر قرار گرفته نمی‌شود بلکه نشانه‌شناسی در این حوزه با معناشناسی گفتمانی یا تحلیل گفتمان همپوشانی زیادی پیدا می‌کند (ساسانی، ۱۳۸۹: ۸۵)، در این بخش نویسنده با توصیفی دقیق و شیوا از نشانه‌های چهره، تأثیر اسفبار وضع مالی را بر حال طبقه فرودست به تصویر می‌کشد؛ همچنین میان هیکل و وضع جسمانی قشر فرادست که نماد و نماینده آن کدخداست با وضع جسمانی طبقه فرودست که نگهبان املاک او، نماینده آن است، اختلاف فاحشی وجود دارد: «الفارق بین جثة العمدة التي كانت فی ضخامة الفيل و جلد والد مصری المشدود علی العظام لدرجة أن العظام تبدو وكأنها ستخرج من تحت الجلد بین لحظة وأخرى» (قعيد، ۱۹۹۱: ۹۴)؛ یا «أخذت يد العمدة اللينة والناعمة بین كفی الجافین المليئتین بالشقوق مثل الأرض الشراقی... يد العمدة فقد كانت ثقيلة وسمينة ودافئة وممتلئة باللحم. اقتربت من ظهر يده لكی أقبه، انغرت شفتی فی طيات اللحم. تذكرت أنى لم أكل لحما من الموسم الماضی» (همان: ۶۲). یوسف قعيد به زیبایی تفاوت این دو طبقه را با ترسیم ظاهر فربه کدخدا و جسم لاغر و استخوانی پدر مصری نشان می‌دهد. همان طور که «هنری جیمز» معتقد است در رمان، حادثه و شخصیت به هم گره خورده‌اند. شخصیت چیزی جز حادثه نیست و حادثه دلیل بر وجود شخصیت است (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۶۷-۱۶۸). در اینجا نیز ویژگی‌های دو شخصیت داستان نقاب از چهره دو طبقه موجود در جامعه برمی‌دارد.

رمزگان‌ها

رمزگان (code) از اصطلاحات مطرح در دانش نشانه‌شناسی است؛ هر رمزگان

نظامی از دانش است که امکان تولید، دریافت و تفسیر متون را فراهم می‌کند و بیشتر بافت بنیاد و فرهنگ بنیاد است. زبان مهم‌ترین و پیچیده‌ترین رمزگان است؛ زیرا همه رمزگان‌های دیگر از جمله رمزگان‌های آداب، پوشاک، غذا، رفتار، اطوار و اشارات، نظام‌های حرکتی و غیره با زبان قابل توصیف است (سجودی، ۱۳۹۷: ۱۵۰). در حوزه رمزگان‌ها سه حوزه میثاق‌ها، آیین‌ها و مدها را بررسی می‌کنند. کارکرد میثاق‌ها آن‌گونه که پی‌یر گیرو می‌گوید برقراری ارتباط میان افراد است. در بخش آیین‌ها فرستنده گروه یا جامعه است و مدها نشان‌دهنده ظاهر یک گروه یا جامعه از منظرهای مختلفند (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۲۷).

۱. **میثاق‌ها:** کارکرد میثاق‌ها در واقع برقراری ارتباط میان افراد است. جامعه گروهی است از افراد که به منظور اجرای یک کنش مشترک گرد هم آمده‌اند. هر فرد جایگاه و کارکرد خاص خود را در جامعه دارد و به واسطه روابط خانوادگی، شغلی و سایر روابطی که با دیگران دارد، تعریف می‌شود؛ بنابراین روابط میان آن‌ها باید در یک چارچوب دلالتی مشخص شده باشد: چه کسی فرمان می‌دهد و چه کسی فرمان می‌برد و غیره (همان)؛ البته از نظر فردینان سوسور چگونگی چینی و ربط و نسبت نشانه‌ها و چگونگی ربط و نسبت دال‌ها و مدلول‌ها (صورت‌ها و معانی)، اختیاری است و این اختیار معلول میثاق‌ها و قراردادهای فرهنگی - اجتماعی است نه اختیار فرد (احمدی، ۱۳۷۸: ۲۷).

از منظر بررسی میثاق‌ها در این رمان می‌توان به تعریف جایگاه افراد در جامعه به خصوص به واسطه روابط شغلی و دارایی آنان اشاره کرد. در بخشی از رمان کدخدا یکی از خاطرات پدرش را درباره دست‌بندی مردم به یاد می‌آورد که مردم را دو دسته می‌دانست: آدمیزاد و حلال‌زاده یا پدرسگ و حرامزاده و ملاک آدمیت از منظر او میزان زمینی بود که فرد در اختیار داشت: «کان والدی یقول إن الخلق فی بز مصر نوعان، أولاد الناس وأولاد الكلاب. فی الریف أولاد الناس من یمتلكون أكثر من مائة

فدان للرأس الواحد أمّا كل من لا يمتلك أية مساحة من الأرض فهو من النوع الثاني من الخلق» (قعید، ۱۹۹۱: ۱۹). باتوجه به میثاق‌ها رابطه میان طرفین باید مشخص باشد که آیا این رابطه مبتنی بر برابری، فرادستی یا فرودستی، صمیمیت یا بی‌تفاوتی، تمایل یا عدم‌تمایل به ارتباط است که در اینجا نوع نگرش کدخدا و پدرش تقسیم‌بندی براساس رابطه فرادستی و فرودستی است.

۲. **مُدها:** مدها شیوه‌های وجودی خاص گروه‌ها از حیث پوشاک، خوراک، مسکن و غیره هستند. میل شخص به یکسان بودن با یک گروه ممتاز اجتماعی به اختیار کردن نشانه‌هایی می‌انجامد که به آن گروه اجتماعی تعلق دارند؛ اما آن عده از اعضای گروه که تمایلی به این یکسان‌بودگی ندارند این نشانه‌ها را رها می‌کنند؛ این چیزی است که باعث می‌شود مُد به‌ویژه در فرهنگ‌هایی که در آن نشانه‌های اجتماعی رمزپرداختگی ناچیزی دارند، تا به این حد متغیّر و خلاق باشد (گیرو، ۱۳۸۰: ۳۰).

۱-۲. **لباس و پوشش:** نوع لباس پوشیدن نخستین انگاره و تأثیر را از فرد در ذهن دیگران شکل می‌دهد. فرد در هر موقعیتی از نوع و امکانات لباسش برای انتقال پیام خود استفاده می‌کند. نگاه به پوشش به‌مثابه امری نمادین و تلاش برای درک نمادها و کشف معانی آن‌ها به ما کمک می‌کند تا زاویه جدیدی از این مسئله را دریابیم (جوادی‌یگانه و کشفی، ۱۳۸۶: ۶۲-۶۸). از کارکردهای اجتماعی پوشش نیز هویت‌بخشی آن است؛ نوع پوشش نشان‌دهنده سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای هر جامعه است (نوری، ۱۳۸۱: ۱۳۲). نشانه‌شناسی که کانون توجهش مطالعه دلالت است، افزون بر ماهیت و ساخت رمزگان‌ها دلالت آن‌ها را به‌گونه‌ای روشمند موشکافی می‌کند (سیبیاک، ۱۳۹۱: ۶۳)؛ از این‌رو نوع پوشش و لباس و هر نوع دارایی انسان‌ها همچون نشانه‌ای است که از نظام‌های خاصی حکایت می‌کند. از آنجا که شخصیت‌های رمان از لایه‌های مختلف جامعه هستند و این لایه‌ها و

طبقات نظام نشانه‌ای خاص خود را دارند که گویای طبقه اجتماعی آنان است؛ در نتیجه افراد به فراخور طبقه اجتماعی خویش لباس‌ها و کالاهای خاصی استفاده می‌کنند. یوسف قعید در رمان خود نوع لباس پوشیدن کدخدا را همچون یک انگاره اثرگذار در محیط روستا و قواعد خاص نظام پوشش تصویر می‌کند تا بگوید فرد در هر موقعیتی از نوع پوشش برای انتقال پیام خود استفاده می‌کند و هرکدام از لایه‌ها و طبقات نظام، نشانه خاص خود را دارند که گویای طبقه اجتماعی ایشان است؛ مثلاً کدخدا در لابه‌لای سخنانش به نوع پوشش خود از جمله جنس کمیاب و وارداتی پارچه لباسش (دشداشه‌اش) و استفاده از عینک «پرسول» آخرین مدل و اودکلن مرغوب «کولونیا» و خوش‌تیپ‌تر بودن خود از هر صاحب‌منصبی اشاره می‌کند: «طلبت من زوجتی أن تعدّ ملابس السفر، فأنا فی البلد أرتدی جلباباً مثل كل الناس و إن كان جلبابی من قماش مستورد نادر الوجود فی الناحیه كلها، ولكنی عندما أسافر - والسفر معنا ترک البلد إلى أي مكان آخر - أرتدی البدله وأضع علی عینی نظارة بیرسول آخر مودیل، وأعطر جسمی بکولونیا، وأصبح أكثر أناقة من أي أفندی مهما كان منصبه ومهما ارتفع مرتبة» (قعید، ۱۹۹۱: ۱۶). درمقابل، طبقه فرودست و کشاورز که قشر ضعیف و پایین جامعه به شمار می‌رود، به علت اوضاع نامساعد و فقر شدید درست در نقطه مقابل طبقه فرادست قرار دارد. آن‌ها لباس مندرس، کهنه و ژولیده به تن می‌کنند. نگهبان کدخدا یا همان پدر «مصری» در توصیف لباسش و لباس کدخدا می‌گوید: «عندما وجدته یجلس ویجمع جلبابه الواسع والذی یکفی لتفصیل ملابس لی ولأسرتی کلّها منه ویطلب منه الجلوس بجواره. أخذت ذیل جلبابی الضیق علی جسمی، جلست علی الأرض بجوار الكنبة الكبيرة التی یجلس علیها العمدة» (همان: ۶۳). به کارگیری ضمیر «ه» در (جلبابه = جلباب العمدة) در تقابل با تکرار ضمیر یای متکلم (: نگهبان) به همراه تأکید در (ملابس لی ولأسرتی کلّها) از یک سو و تقابل میان (الواسع) و (الضیق) در «جلبابه الواسع... وجلبابی الضیق

علی جسمی» در سطح روساخت دارای نقش کلیدی در پی بردن به دلالت‌هایی است که نویسنده در سطح واژگان روی آن سرمایه‌گذاری کرده است تا در سطح ژرف‌ساخت بیانگر تقابل میان جثه بزرگ کدخدا و جثه کوچک نگهبان و تقابل میان دارا و ندار و نیز اختلاف طبقاتی و آنچه را در پی دارد از قبیل تفاوت پوشش و ظاهر آدم‌ها! باشد. این مطلب در جای دیگری از زبان افسر ارتش نیز بازگو می‌شود: «الفارق بین جثه العمدة التي كانت في ضخامة الفيل و جلد والد مصري المشدود على العظام لدرجة أن العظام تبدو وكأنها ستخرج من تحت الجلد بين لحظة وأخرى» (همان: ۹۴).

۲-۲. نوع غذاها: نشانه‌های زبانی مرتبط با غذاها کارکردهای متفاوتی دارند که گاهی سبب تمایز و تفاوت دلالتگر میان افراد جامعه می‌گردند. «تغذیه فعالیتی است برای پاسخ دادن به نیاز زیستی، غذا می‌خوریم تا گرسنه نمائیم و برای فعالیت‌های جسمانی انرژی کافی داشته باشیم اما خوردن، فعالیت فرهنگی نیز به‌شمار می‌رود؛ این که چه بخوریم، در چه موقعیتی چه چیزی را بخوریم و در چه موقعیتی چه چیزی را نخوریم، چه غذا یا غذاهایی شأن و منزلت اجتماعی تولید می‌کنند و... همگی وجوه یک فعالیت فرهنگی معنا ساز، ارزش آفرین، هویت‌ساز و متمایزکننده خود از دیگری‌اند» (سجودی، ۱۳۸۸: ۲۳۱). در رمان «الحرب فی بز مصر»، نویسنده به‌واسطه بیان کلامی، نظام نشانه‌ای غذا را فعّالانه به‌کار می‌گیرد تا امکان بیان موقعیت‌های اجتماعی و تمایز طبقاتی را فراهم کند. از زبان کدخدا می‌خوانیم: «أحضرت زوجتي صينية الإفطار. رفعت الفوطه ومن تحتها طلع علي البخار الأبيض من كوب الحليب وطبق البيض المقلی. نظرت في الطعام. دارت عيني على البيض والبقول والجبن وعيدان الجرجير الخضراء. لم أكن راغباً في تناول الطعام» (قعید، ۱۹۹۱: ۹) و درمقابل از زبان نگهبان کدخدا می‌خوانیم: «وضعت أول لقمة في فمي، أحسست أنها جرحت زوري من جفافها. لم أضع في فمي سواها. أشرت لهم بیدی ليرفعوا الطليبة، وأن يعملوا لي كوب شاي كبير. نظرت زوجتي إلى نظرة

طوبیلة وهدائته مثل مياه المصرف الراكد والذى لم يتحرك فيه نقطة ماء منذ سنوات. فهتمت من نظرتها أنه لا يوجد سكر فى البيت، قامت، ذهبت تستدين قليلا من السكر من إحدى الجارات» (همان: ۵۴-۵۳). همان طور که می‌بینیم تقابل میان وعده صبحانه و سفره پر و پیمان کدخدا و وعده شام و سفره خالی نگهبان و گیر کردن لقمه خشک در گلو و قرض کردن شکر از همسایه نقش تمایزآفرینی را میان دو طبقه اجتماعی بازی می‌کند و نشانه‌های زبانی مرتبط با غذا در متن کلامی داستان به‌خوبی دلالتگر تمایزهای طبقاتی است که از فضای سیاه و سفید داستان حکایت دارد؛ به عبارت دیگر، نویسنده غذا را به‌منزله یک نظام نشانه‌ای و تعیین‌کننده موقعیت و طبقه اجتماعی کدخدا و نگهبان به‌کار برده و تحقق متنی رمزگان غذا در بیان واگرایی اجتماعی به‌خوبی نمایان است.

۲-۳. امکانات و دارایی‌ها: امکانات و دارایی‌های افراد گاه نشانه‌ای از طبقه اجتماعی آن‌هاست که به‌نوعی متضمن یک نظام دلالتی و نشان از وضعیت اقتصادی جامعه است. در فضای رمان، اختلاف طبقاتی و میزان بهره‌مندی قشر فرادست از انواع و اقسام امکانات مادی و بالعکس آن محروم بودن قشر فرودست از ساده‌ترین امکانات کاملاً مشهود است. در چنین فضایی افراد عادی جامعه چه کشاورز و چه غیرکشاورز از داشتن کمترین وسیله نقلیه محرومند و در محله‌های فقیرنشین به‌سر می‌برند؛ مثلاً وقتی که کدخدا برای جعل مدرک سربازی پسرش با اتومبیل مدل بالا به در خانه متعهد می‌رود، او که یک معلم اخراجی و تنگدست است و برای امرار معاش به کارهای غیرقانونی چون شیادی و جعل اسناد روی آورده از تردد اتومبیل مدل بالا و شنیدن صدای بوق آن در محل سکونتاش متعجب می‌شود: «فی هذه اللحظة الحلوة صحت من نومي على صوت بوق سيارة. غضبت لأنني كنت أريد أن أعيش معلم الحلم فترة أطول. سمعت بوق السيارة مرة أخرى. استغربت، السيارات فى بلدنا قليلة وزبائني ليسوا من أصحاب السيارات» (قعید، ۱۹۹۱: ۳۰). در اینجا

شگفتی حاصل از شینده شدن صدای بوق ماشین و تردّد آن در محل زندگی طبقه فرودست رمزگانی است که به فقر این طبقه رهنمون می‌شود.

نتیجه

برآیند واکاوی داستان «الحرب فی بَرّ مصر» از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی این است که نویسنده با توجّه ویژه به نشانه‌های هویت، نشانه‌های آداب معاشرت و رمزگان‌های اجتماعی، زوایای پیدا و پنهان تبانی‌های سیاسی و اجتماعی تباه‌کننده جامعه و فساد حاکمان را در جامعه مصر بیان و عیان کرده است؛ به‌شکلی که این نشانه‌ها و رمزگان‌ها همچون بستری مناسب، واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی این جامعه را بازتاب می‌دهد.

از جمله نتایج بررسی نشانه‌ها و رمزگان‌ها در این اثر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- خوانش رمان «الحرب فی بَرّ مصر» بر پایه نشانه‌شناسی اجتماعی، کارآمدی نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی را در به تصویر کشیدن شرایط جامعه به اثبات می‌رساند؛ به‌گونه‌ای که هریک از نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی در جهت هدف اصلی رمان یعنی به تصویر کشیدن نظام دوقطبی جامعه مصر و تقابل فقیر و غنی نقش ایفا می‌کنند.

- شغل و جایگاه افراد در جامعه مصر در نظام نشانه‌ای این رمان از اهمیت زیادی برخوردار است. یوسف قعید به‌جای انتخاب اسم‌های خاص برای هریک از سرفصل‌های رمان خود نام مشاغل مختلف اعم از کدخدای کارچاق‌کن، نگهبان، افسر و بازپرس را به‌کار گرفته است. هرکدام از این شغل‌ها نشان‌دهنده طبقه‌ای خاص از جامعه مصرند که در نهایت همگی در دو دسته سیاه و سفید قرار می‌گیرند. در این جامعه حتی برخی شغل‌ها که در اجرای قانون از اختیاراتی برخوردارند، بنا بر حکم طبقه فرادست، ناچار به صرف نظر کردن از قانون می‌شوند.

- اماکن زندگی از دیگر نشانه‌های هویتی جامعه دوقطبی مصر است. قعید در این اثر با سبک نگارشی توصیفی و مبتنی بر واقع‌گرایی با انعکاس تقابل موجود میان دو طبقه دارا و ندار، مخاطب را به ویژگی‌های هویتی دو طبقه رهنمون می‌سازد و با توصیف دقیق محل زندگی آنان به صورت نمادین، پیکره هویتی جامعه را نشان می‌دهد.

- از دیگر نشانه‌های مورد توجه پی‌یر گیرو نشانه‌های آداب معاشرت است. این مقوله که شامل لحن کلام شخصیت‌ها و نحوه رفتارشان با دیگر شخصیت‌ها و حالات و شرایط آن‌ها می‌شود، به سازه‌های نظام اجتماعی حاکم بر مصر هویت می‌دهد. قعید با بیانی صریح و بی‌پروا و با توصیف دقیق حالات و اطوار شخصیت‌ها، لحن کلام توهین‌آمیز کدخدا یا رفتارهای توهین‌آمیز وی با طبقه فرودست به خوبی ویژگی‌های نظام ارباب-رعیتی و طبقه فرادست و فرودست جامعه، تضادها و تقابل‌های حاکم بر آن را به تصویر کشیده است.

- یوسف قعید با بهره‌گیری از رمزگان‌هایی که نحوه پوشش و خوراک یک گروه یا طبقه را دربرمی‌گیرد، با استفاده از شیوه‌ای به ظاهر ساده اما استادانه پیام و درون‌مایه داستان را به خواننده منتقل می‌کند و فضای حاکم بر جامعه را که مبتنی بر ایستایی و نافرهیختگی است، هویدا می‌سازد.

منابع

- احمدی، بابک، ۱۳۸۳، از نشانه‌های تصویری تا متن، تهران: نشر مرکز.
- _____، ۱۳۸۷، ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز.
- اسکولز، رابرت، ۱۳۸۳، درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر آگه.
- اکو، اومبرتو، ۱۳۸۷، نشانه‌شناسی، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: نشر ثالث.
- ایگلتون، تری، ۱۳۸۰، پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- آقاگل‌زاده، فردوس، ۱۳۹۲، فرهنگ توصیفی تحلیل‌گفتمان و کاربردشناسی، تهران: نشر علمی.

- جواد ییگانه، محمدرضا؛ کشفی، سید علی، ۱۳۸۶، نظام نشانه‌شناسی در پوشش، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان کتاب زنان، شماره ۳۸، زمستان: صص ۶۲-۸۷.
- چندلر، دانلیل، ۱۳۸۷، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، تهران: سوره مهر.
- الحکیم، توفیق، ۲۰۱۴، یومیات نائب فی الأریاف، القاهرة: دار الشروق.
- حمداوی، جمیل، ۱۹۹۷، السیمیوطیقا والعنونة، مجلة عالم الفكر، العدد ۳: صص ۴۵-۶۷.
- داد، سیما، ۱۳۷۸، فرهنگ اصطلاحات ادبی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- درپر، مریم، ۱۳۹۳، سبک‌شناسی لایه‌ای: توصیف و تبیین بافتمند سبک نامه شماره ۱ غزالی در دو لایه واژگان و بلاغت، فصلنامه ادب‌پژوهی، شماره ۲۷: صص ۱۳۶-۱۱۵.
- دلشاد، شهرام؛ حسینی اجداد، سید اسماعیل، ۱۳۹۶، «بررسی موتیف "ارض" در رمان "الحرب فی بز مصر" از یوسف القعید»، فصلنامه نقد ادب معاصر عربی، سال ۷، شماره ۱۵: صص ۱۷۵-۱۹۵.
- ساسانی، فرهاد، ۱۳۸۹، معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی تهران: نشر علم.
- سجودی، فرزانه، ۱۳۸۸، نشانه‌شناسی: نظریه و عمل تهران: نشر علم.
- سجودی، فرزانه، ۱۳۹۷، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: نشر علم.
- سببیاک، تامس آلبرت، ۱۳۹۱، درآمدی بر نشانه‌شناسی، ترجمه محسن نوبخت، تهران: نشر علمی.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۹۳، انواع ادبی، تهران: نشر میترا.
- ضمیران، محمد، ۱۳۸۲، درآمدی بر نشانه‌شناسی، تهران: نشر قصه.
- القعید، یوسف، ۱۹۹۱، الحرب فی بز مصر، القاهرة: طه، مکتبه المدبولی.
- کنستاندز، ا. ک. با همکاری هافستی، ۱۳۵۱، جامعه‌شناسی روستایی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: امیر کبیر.
- گونتر آر کرس، ۱۳۹۴، نشانه‌شناسی اجتماعی از نظریه تا کاربرد: بازنمود چندوجهی رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی به موضوع ارتباط در عصر حاضر، ترجمه سجاد کبگانی و رحمان صحراگرد، تهران: انتشارات مارلیک.
- گیرو، پی‌یر، ۱۳۸۰، نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، تهران: نشر آگه.
- لوپس، عوض، ۱۹۶۱، دراسات فی ادبنا الحدیث، القاهرة: دار المعرفة.
- مارتین، برانسون؛ رینام، فلیزیتاس، ۱۳۹۷، واژه‌نامه توصیفی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی منتظر قائم و زهرا اسدی، تهران: انتشارات لوگوس.

- مکاریک، ایرنا ریما، ۱۳۸۴، دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مه‌هران مهاجر و محمد نبوی، تهران: نشر آگه.
- میرصادقی، جمال؛ میرصادقی، میمنت (۱۳۸۷). واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، تهران: کتاب مه‌ناز.
- نوری، علی‌رضا، ۱۳۸۱، معیارهای اسلامی پوشش زنان و الگوی مصرف آن، اندیشه صادق، شماره ۸-۹: صص ۱۲۲-۱۲۹.
- وادی، طه، ۱۴۱۷هـ / ۱۹۹۶م)، الروایة السیاسیة، القاهرة: الشركة المصریة العالیة للنشر لونجمان.



Abstract

Analysis and Criticism of the Novel "War in the Land of Egypt" From the Point of View of Social Semiotics

Alireza Allah Bakhshi*
Kordabadi**

Social semiotics is an applied approach to the study of texts whose primary concern is the understanding of social signs and meaningful behaviors. A structuralist look at social novels and an examination of the constituents and decoding of texts can provide a better and more complete understanding of it. "War in the Land of Egypt" is Yusuf al-Qa'id's pithy novel, who is one of the eminent contemporary writers of Egypt and a prominent Arab novelist, in which he addresses the unfortunate and inappropriate conditions of his society that is under heavy oppression. This study intends, by using the analytical-descriptive method in light of Pierre Guiraud's approach, to analyze the social signs used in this novel and reveal the theme of the author's message. The results show that signs related to identity, such as nicknames and names, occupations and status of individuals in society, signs of etiquette such as the tone of the speech, the gestures and moods of the novel's characters, as well as fashion codes such as clothing and cuisine, all attest to the confrontation of human beings with each other and social disorder that afflicts the community of that day in Egypt. The author's use of text coherence tools, especially lexical tools, is also an emphasis of his intention regarding this matter. In this essay, the efficacy of using social codes and signs in conveying the novel's motif to the reader is proven.

Keywords: Fiction, Social Semiotics, Yusuf al-Qa'id, "War in the Land of Egypt"

* Student of Islamic Azad University, Tehran Branch.

ali.alahbakhshi.lit@iaudtb.ac.ir

** Assistant Professor, Islamic Azad University, Tehran Branch. (Corresponding author)

sou.kordabady@iauctb.ac.ir



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی